

همبستگی کارگری و ایجاد تشکل،

متضمن بقا و زندگی ما کارگران است

رضا رشیدی

بیست چهارم شهریور ماه هشتاد و پنج

سایت شورا

از ابتدای پیدایش سرمایه داری، جدال کارگر با سرمایه دار نیز بوجود آمد. سرمایه داری برای کسب سود همواره سعی میکند به عناوین مختلف و با توسل به ابزارهای گوناگون سود خود را افزایش دهد. یکی از عواملی که در کم و زیاد شدن سود تاثیر مستقیم و زیادی دارد کاهش هزینه های تولید یا افزایش آن است.

بخش بزرگی از هزینه تولید دستمزد کارگر است. سرمایه دار با توسل به نیرنگ و فریب و با داشتن ابزارهای قدرت چون دولت، ارتش، پلیس و سازمانهای عریض و طویل اداری که هر کدام برای سرکوب و تحمیق کارگران نقش خاص خود را دارند، تلاش میکند تا هزینه های دستمزد را کاهش دهد. یک روز ساعت کار را افزایش میدهد و در ازای ساعت کار بیشتر مزد کمتری پرداخت میکند، در جایی ساعت نهار و یا شام کارگران را جز ساعت کار محاسبه نمیکند، زمانی مسئولیتهای اضافی و کار اضافی را بدون اینکه به کارگر پولی پرداخت کند، به گردن وی میاندازد، با عدم پرداخت بموقع مزد کارگر و با سرمایه گذاری مزد پرداخت نشده ی کارگر در جهت کسب سود بیشتر، کارگر و خانواده اش را دچار مخاطرات جدی می نماید. این هنوز پایان ماجرا نیست، سرمایه دار هر زمان که سودش افت میکند از تعداد کارگران شاغل کم کرده و شروع به اخراج و بیکار سازی آنها میکند. در نظام سرمایه داری همواره تعداد زیادی انسانها وجود دارند که پشت در کارخانه ها صف کشیده اند و به عنوان ارتش ذخیره کار همواره در دسترس کارفرمایانند تا در روز مبادا که کارگران اعتراض یا اعتصاب کنند، آنها همچون شمشیر آخته بر فرق سر کارگران فرود آورند و آنان را با دستمزدهای پایین به جای کارگران معترض وادار به کار کنند. از طرف دیگر با کم شدن دستمزد کارگر قدرت خرید او نیز کم میشود و در نتیجه هر روز سطح معاش و زنده ماندنش به خطر میافتد. کارگر ناخواسته وارد یک جدال نابرابر میشود و برای زنده ماندن خود و خانواده اش اعتراض میکند، در مقابل سرمایه داری با تمامی ابزارهای تحمیق و سرکوب وارد معرکه میشود. آیا در این جدال نابرابر همواره کارگر محکوم به شکست است؟ آیا هیچ راه چاره ای نیست که کارگر با توسل به آن این جنگ را به نفع خود پایان دهد؟

هدف سرمایه دار از بیکار انداختن سرمایه اش و بیکار گرفتن و خرید نیروی کار کارگران، کسب سود است. سرمایه دار اصلا دوست ندارد که در کارخانه اش اعتراض باشد و چرخهای تولید سودش از کار باز ماند و کارگران دست به اعتصاب بزنند، بنابراین تمام زورش را میزند و از تمامی ابزارهای قدرتش استفاده میکند تا چرخهای کارخانه اش بچرخد و سود برایش تولید کند.

اما طرف دیگر کارگر است که تمام نعمات مادی جامعه را تولید میکند. تمام آنچه در جامعه وجود دارد حاصل کار و تلاش و جان کندن کارگر است. اگر کارگر کار نکند، تولید نکند، نظم جامعه به هم میریزد، کافی است که فقط یک بخش از کارگران دست از کار بکشند. به عنوان نمونه در نتیجه اعتصاب چند ساعته کارگران شرکت واحد که شاهدش بودیم نظم بخشی از جامعه به هم خورد و اعتصاب چند ساعته آنان تاثیر مستقیم روی بخشهای دیگر جامعه نیز گذاشت. در آن اعتصاب چند ساعته تمام کسانی که از سرویس های عمومی ایاب و ذهاب استفاده میکردند نتوانستند به موقع سر کار خود حاضر شوند، آنچه قرار بود تولید شود برای چند ساعت تولید نشد و سود سرمایه ها در برخی جاها به خطر افتاد. حالا فکر کنیم در یک زمان تمامی کارگران دست به اعتصاب بزنند و کار را بخوابانند، تصور کنیم چه اتفاقی میافتد؟ به قول معروف سنگ روی سنگ بند نمیشود. اما این محاسبه ساده با وجود تمام ستمی که به همه کارگران میشود چرا تا به حال اتفاق نیافتاده است؟

چرا کارگران همگی و با هم اعتصاب نمیکنند؟ چرا کارگران بصورت منفرد و یا فقط در محدوده یک کارخانه اعتراض میکنند؟

اعتراض منفرد و یا غیر متشکل ممکن است جایی پاسخ مثبت بگیرد و گاهی هم سرکوب شده و به ضرر کارگر تمام شود. اما اگر کارگر ازاری داشته باشد که با توسل به آن اعتراض کند و اعتراضش را از طریق آن پیش ببرد براحتی میتواند در این جنگ پیروز میدان باشد و این آن راز مگوی دیروز و کشف شده به دست کارگران آگاه و پیشرو، اتحاد و همبستگی و تشکل کارگری است. هر گاه کارگر با اتحاد و همبستگی و بصورت متشکل عمل کند مطالبات و خواسته هایش نیز دست یافتنی تر است.

در دوره اخیر نمونه های زیادی را میتوان نام برد که کارگران با اتحاد و متشکل بودن توانستند خواسته های خود را به کارفرما تحمیل نمایند.

نداشتن تشکل پاشنه آشیل کارگر است که باید برای ایجاد آن متمرکز شد. این تمرکز وظیفه عاجل تمام کارگران پیشرو و فعالین طبقه کارگر است.

با این مقدمه نگاهی میکنیم به وضعیت فی الحال موجود بخشی از کارگران و با امید به اینکه سایر بخشهای کارگری نیز به این همبستگی کارگری بپیوندند.

کارگران کارخانه پرریس سنندج از صبح روز ۱۳۸۵/۵/۲۸ دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به اعلام شرایط کارفرما برای تمدید قرار داد کارگران این کارخانه آغاز شد.

طبق شرایط کارفرما برای تمدید قرارداد کارگران این کارخانه، کارگران از نظر مدت قراردادهایشان به سه دسته تقسیم شده اند. مدت قرار داد یک دسته از آنان یکسال، تعداد دیگری سه ماه و بخشی دیگر نیز یک ماه تعیین شده است. تقسیم بندی کارفرما برای مدت قرارداد بر اساس سر به راه بودن کارگران و عدم اعتراض آنان به شرایط کارشان تنظیم شده است. بر این اساس یکی از کارگران این کارخانه به نام بهزاد سهرابی که از کارگران معترض این کارخانه میباشد طی روزهای آینده به دنبال تمام شدن مدت قرار دادش اخراج خواهد شد و بقیه کارگران نیز به شرطی مشغول بکار خواهند شد که یک وثیقه دو میلیون تومانی برای تضمین خواسته های کارفرما مبنی بر عدم اعتراض به شرایط کار در اختیار کارفرما قرار دهند.

این گزارش کوتاهی از اعتراض و اعتصاب کارگران پرریس سنندج در برابر شرایط کارفرمای کارخانه بود.

چگونه باید به این شرایط غیر انسانی پایان داد؟

اگر کمی به عقب و به گذشته برگردیم، اعتراض و اعتصاب کارگران نساجی کردستان بسیار آموزنده خواهد بود. کارگران نساجی با مسلح شدن به آگاهی و از طریق آن پی بردن به ضرورت تصمیم گیری دسته جمعی توانستند با برگزاری مجمع عمومی با اتخاذ تصمیمات دسته جمعی کارفرما را به عقب رانده و مطالبات خود را به او تحمیل نمایند نمونه دیگر اعتراض و اعتصاب کارگران شرکت واحد بود. اقدام کارگران شرکت واحد در پیچه ای را برای تمام کارگران ایران باز کرد که از این در پیچه نور امید و اتحاد و همبستگی تابیدن گرفت.

پافشاری فعالین و اعضای سندیکای شرکت واحد برای تحقق خواسته هایشان که یکی از آنها احیا سندیکا بود جرقه ای به خرمن پر انرژی جنبش کارگری انداخت و پیکر خسته جنبش کارگری را که سالها بر اثر سرکوب و فشار و اختناق در خود فرو رفته بود به حرکت انداخت. فعالیت در جهت جذب اتحاد و همبستگی داخلی و بین المللی از طرف فعالین کارگری و کارگران شرکت واحد (حرکت ۱۵ فوریه سال ۲۰۰۶) تصویری را در مقابل جنبش کارگری قرار داد که طی آن اهمیت تشکل به عنوان اهرمی برای پیشبرد مطالبات کارگران بیش از پیش روشن شد. اعلام حمایت بخشهای زیادی از کارگران پیشرو از کارگران شرکت واحد روحیه این بخش از جنبش اعتراضی کارگری را قوت بخشید و عامل قدرتمند برای تداوم این حرکت اعتراضی شد و اینک به دنبال اعتصاب کارگران پرریس سنندج، اعلام حمایت و نوشتن بیانیه های حمایتی بخشهای مختلف کارگران با اسم و رسم خود و کارخانه شان، بار دیگر همبستگی کارگری را به نمایش گذاشت و بار دیگر کارگران رو به جامعه اعلام کردند که دیگر چشم امیدشان به خانه کارگریها، دوم خردادها و مقامات دولتی برای بهبود زندگیشان نیست و پیروزی اعتراض خود را در گرو وحدت و اتحاد هم طبقه ای هایشان میدانند و این آغاز حرکت نوید بخش و نوینی برای جنبش کارگری در ایران است. این هنوز آغاز راه است. تشکیل این جبهه اتحاد کارگری، ایجاد سنگری است در مقابل تعرض سرمایه داران به حداقل دستمزد و معاش کارگران.

اعلام همبستگی هر چه گسترده تر کارگران از اعتصاب کارگران پرریس میتواند این اتحاد و همبستگی را تقویت کرده و اعتماد به نفس آنها را برای رسیدن به خواسته هایشان افزایش دهد.

امروز باید بدور از هرگونه منفعت فرقه ای و گروهی و شخصی در جهت تقویت این گام نوین حرکت کرد. امروز باید کارگران شاغل، کارگران اخراجی و تمام انسانهای شریف که از استثمار و بی حقوقی متنفرد و بیزارند بسیج شوند. همین امروز در شروع سال تحصیلی جدید باید دانشجویان اعلام حمایت جدی و عملی خود را از جنبش کارگری اعلام نمایند.

اگر تا کنون هر بار که سرمایه داران به کارگران یورش آورده اند، جبهه ای متحد و مستحکم تشکیل میشد هرگز شاهد به رسمیت شناسی قراردادهای موقت، قراردادهای سفید امضا، خروج کارگاههای زیر ده نفر از شمول قانون کار، اخراجهای دسته جمعی تحت عنوان باز خریدی و دیگر سیاستهای ضد کارگری موجود نبودیم.

کارگر معترض اگر متشکل نباشد سرکوب میشود و زندگی اش به گرو گرفته میشود. هرگاه کارگر متشکل عمل کرده است، اولین نتیجه مثبت آن عاید خود و خانواده اش شده است. باید متشکل شد و هر روز جبهه اتحاد و

همبستگی کارگری را سازمان داد، باید کمیته ای منتخب از نمایندگان در مجمع عمومی از کارگران ایران سازمان داد که هر جا به حقوق کارگر دست اندازی شد فراخوان دهد، اعتراض کند، کارخانه را به تعطیلی بکشاند و از طریق تشکیل صندوق اعتصاب، اعتراض و اعتصاب کارگر را تداوم بخشد.

تا کنون تعداد بسیار زیادی از کارگران بر اثر سیاستهای ضد کارگری بیکار شده اند و همین امروز بسیاری از کارگران شاغل در کارخانه ها در معرض بیکار شدن قرار گرفته اند.

امروز باید کارگران نفت، کارگران پتروشیمی، خودرو سازیها، معلمان و پرستاران که ترکه تعدیل و بیکار سازی و کم شدن دستمزد را نخورده اند، می بایست از هم طبقه ایهایشان دفاع کنند.

نگاهی به آمار رو به افزایش کارگران بیکار نشان میدهد که هر روز تعداد زیادی از کارگران که هرگز فکر نمیکردند روزی بیکار شوند از کار اخراج شده و یا به دلایل مختلف بیکار شده اند. این شتری است که امروز در خانه کارگران پرریس و شرکت واحد خوابیده است و اگر همین امروز صف مقاومت کارگران در حمایت از یکدیگر مستحکم نشود بار دیگر سرمایه داران گستاخانه تر از قبل خواهند تاخت. تا به کی باید زانوی غم بیکاری بغل کرد، تا کی باید در اثر نداشتن پول برای امرار معاش کلیه فروخت و به کارهای سخت و طاقت فرسا که جسم و جان انسان را نابود میکند روی آورد. تا کی باید از بی مسکنی رنج برد و سر هر ماه از غصه نداشتن پول برای پرداخت اجاره خانه بر خود لرزید. تا کی باید در کنار راهروهای بیمارستانها جان بسپاریم و کودکانمان به جای تحصیل و بازی و شادی در خیابانها برای امرار معاش خانواده مورد تحقیر و بی حرمتی قرار گیرند.

ایجاد وحدت و همدلی بین کارگران، ایجاد تشکل کارگری، تقویت اعتراض کارگری و پیوستن به کارگران معترض وظیفه امروز ما کارگران ایران است. گذاشتن شرایط برای ادامه کار کارگر و به گرو گرفتن زندگی و خانواده کارگران سازماندهی یک بردگی بی چون و چرا از طرف سرمایه داران است. نباید اجازه داد هیچ کارفرمایی زندگی ما را به بازی بگیرد. اعتراض و اعتصاب حق مسلم ما کارگران است و برای پیروزی آن باید متشکل شویم.

پیش بسوی ایجاد تشکلهای مستقل

رضارشیدی